

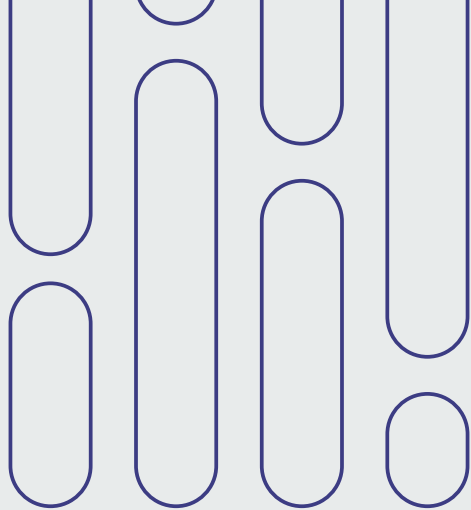
گزارش

# دولت رئیسی چگونه توافق با عربستان سعودی را به داخل ایران منعکس کرد؟

2 آوریل 2023



**RASANAHA**  
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية  
International Institute for Iranian Studies



## فهرست

- اول: بهره برداری تبلیغاتی از این توافق  
در داخل کشور ..... 3
- دوم: اهداف و میزان تأثیرگذاری ..... 6
- سوم: توافق و گفتمان آشتی جویانه ای که می تواند  
سنگ زیربنا باشد ..... 8

توافق عربستان سعودی و ایران که در ۱۰ مارس ۲۰۲۳ میلادی به امضا رسید، در سطح منطقه و جهان بسیار به صورت گسترده ای مورد توجه قرار گرفت زیرا اولاً: این توافق به رویارویی میان دو قدرت بزرگ در منطقه خلیج پایان می دهد و ثانیاً: بعد از یک دهه ناآرامیها و درگیریها در منطقه، این توافق زمینه را برای پایان دادن به درگیریها و تنشهای منطقه مهیا ساخته و افقهای گسترده تری برای تعامل و تفاهم میان کشورهای منطقه می گشاید. و ثالثاً: به خاطر اهمیت میانجیگری چین است که در چارچوب رقابت بین المللی وسیع تری میان ایالات متحده و چین بر سر نفوذ در سطح بین الملل و مخصوصاً در سطح خاورمیانه به آن نگرسته می شود.

جدای از اهمیت منطقه ای و بین المللی این توافق، نباید از یاد برد که این توافق در داخل عربستان سعودی و ایران نیز مورد توجه فراوانی قرار گرفته و بازتاب گسترده ای داشته است. در ایران، نظام ایران تلاش کرد در میان مردم از این توافق به عنوان یک پیروزی مهم یاد کند که پیامدهای مثبتی بر اوضاع داخلی کشور خواهد داشت و افقهای تازه ای برای حل مشکلات و بحرانهای داخلی خواهد گشود. این گزارش، به تبلیغات داخلی دولت رئیسی درباره توافق مورد نظر می پردازد و از اینکه این تبلیغات تا چه حد با واقعیت همخوانی دارد، پرده بر می دارد.

## **اول: بهره برداری تبلیغاتی از این توافق در داخل کشور**

نظام ایران قبل از هر چیزی، این توافق با پادشاهی عربستان سعودی را یک پیروزی بسیار مهم خواند. یحیی رحیم صفوی فرمانده کل پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و دستیار و مشاور عالی علی خامنه ای این رویداد را یک زلزله سیاسی خواند. پیداست که نظام که پیش از این سیاست تندروانه ای در قبال عربستان داشت و پیامدهای منفی رویکردهای نظام دامن ملت ایران را گرفت، اکنون در صدد برآمده رفتاری متفاوت و برخلاف سیاستهای پیشین روی دست بگیرد و برای کسب محبوبیت مردمی و نیز برای روند تغییر پیش رو، از این توافق استفاده لازم را ببرد. از این رو، نظام ایران در فعالیتهای تبلیغاتی خود این توافق را اینگونه معرفی نمود:

**یک. پیروزی «جریان تندرو» در مقابل «جریان اصلاح طلب»:** دولت ایران

توافق با عربستان سعودی را یک رویداد بسیار پر اهمیت خواند. و جریان «تندرو» از این توافق به عنوان [یک پیروزی مهم](#) و شکستن بن بست دیپلماسی یاد کرد. منابع نزدیک به رهبر ایران نیز گفته اند که وی از این توافق استقبال کرده است. گفته می شود که نامه رهبر که رئیس آن را به رئیس جمهور چین تحویل داد، در حصول این توافق نقش پررنگی داشته است. از این رو، رسانه های وابسته به نظام و از جمله، رسانه های وابسته به سپاه پاسداران که تندرو ترین رسانه ها هستند، ارزیابیهای مثبتی از این توافق داشتند. گفتنی است همین رسانه ها که تا چندی پیش، مواضع منفی نسبت به این مسأله داشتند، در چرخشی نسبت به موضع پیشین خود، این توافق را یک دستاورد خواندند که اصلاح طلبان باید آن را الگوی مذاکره قرار دهند. این در حالیست که «اصلاح طلبان» همواره ادعا داشتند که در فنون مذاکره از «محافظه کاران» جلوتر هستند.

**دو. موفقیت رویکردهای خارجی دولت رئیسی:** وزارت خارجه ایران در ۱۱ مارس ۲۰۲۳ میلادی [در بیانیه ای](#) این توافق را «گام دیگری در راستای سیاست خارجی متوازن، پویا و کارآمد و موفقیت روند سیاست همسایگی» خواند. سیاست همسایگی یکی از محورهای اقدامات دولت رئیسی در سطح خارجی است که به خاطر تحریمها موانع زیادی فراروی آن قرار داشت؛ البته در سایه رویکردهای منطقه ای ایران، کشورهای منطقه نسبت به ایران بی اعتماد شده اند که این امر بزرگترین مانع بر سر راه همکاری با کشورهای همسایه به شمار می رود. شاید بتوان گفت که توافق با عربستان سعودی مهمترین رویدادی است که توانسته این بن بست را بشکند. شایان ذکر است که گفتگو با کشورهای منطقه در دولت روحانی و وزیر خارجه اش محمد جواد ظریف با ابتکار «صلح هرمز» آغاز شده بود اما در آن زمان، شرایط برای به ثمر رساندن آن ابتکار مناسب نبود.

**سه. کمکی به حل بحران اقتصادی:** جناحی که قدرت را در ایران در اختیار دارد و نیز رسانه های وابسته به آن تلاش کردند توافق میان ایران و عربستان را به عنوان فرصتی برای عبور از شرایط سخت سیاسی و اقتصادی معرفی کنند. و در این زمینه به [کاهش بهای ارزهای خارجی](#) در ایران در پی اعلام خبر این توافق اشاره کردند. در روز ۱۰ مارس که این توافق به امضا رسید،

بهای دلار در بازار آزاد با طی سیر نزولی به ۴۷۷۰۰ تومان رسید که پایین ترین میانگین قیمت دلار در طی یک و نیم ماه گذشته است. قیمت دلار در بازار آزاد نسبت به روز قبل خود، ۲۲۰۰ تومان کاهش یافت و در روزهای بعد، کاهش قیمت دلار در مقابل پول ملی [ادامه یافت](#).

**چهار. کاهش نفوذ ایالات متحده و جایگاه آن در خاورمیانه و سراسر جهان:** محافل رسمی در ایران، توافق با عربستان سعودی را به زیان ایالات متحده خواندند و یاد آور شدند که این توافق نشان از [تغییر رویکرد](#) عربستان سعودی در مقابل ایالات متحده و اسرائیل است و [مانع از آن می شود که](#) کشورهای خلیج از گسترش توافقنامه ابراهیم استقبال کنند. و این توافق، توطئه ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران را خنثی کرده است. سرلشکر صفوی در ۱۲ مارس ۲۰۲۳ میلادی توافق میان ایران و عربستان سعودی را [«پایان هژمونی امریکا در منطقه»](#) خواند. داستان به همین جا خلاصه نشد و در ایران از این توافق به عنوان شاخصی برای کاهش نفوذ امریکا در سطح بین الملل یاد شد.

**پنج. موفقیت سیاست «نگاه به شرق»:** از آنجا که دولت رئیسی عمده تلاش خارجی خود را به شرق و مخصوصا به چین معطوف داشت، اکنون با استفاده از موفقیت آمیز بودن وساطت چین، تلاش دارد چنین تبلیغات کند که رویکردهای دولت از اهمیت بالایی برخوردار است و توافق اخیر یکی از ثمره های آن است. رسانه های ایران، حصول این توافق را با تلاش جهت اجرای تفاهمنامه دوجانبه و ارتقای مناسبات تجاری با پکن [مرتبط](#) دانسته اند. علاوه بر آن، رسانه های ایرانی این نقش آفرینی چین را شاخصی برای دگرگونی نظام بین الملل و آغاز دوره پسا امریکا در خلیج دانسته اند. **شش. باعث بازگشت ثبات منطقه ای شده و زمینه ساز تفاهمات بیشتری میان ایران و همسایگان خواهد شد:** نظام ایران، در تبلیغات خود در مورد این توافق، آن را آغازی برای تحقق ثبات منطقه ای و نیز همکاری در زمینه های مختلف عنوان کرد. به عنوان نمونه، حسین امر عبداللهیان وزیر خارجه ایران به این مطلب [اشاره کرده بود](#). علاوه بر آن، گفتمان ایرانی بر اهمیت این توافق در تحقق همکاری در زمینه های اقتصادی نیز تأکید داشته است؛ به عنوان مثال [محمد باقر قالیباف رئیس مجلس](#)

**شورای اسلامی** روز جمعه مصادف با ۱۰ مارس ۲۰۲۳ میلادی در حساب تویتری خود نوشت که این توافق «گام مهمی به سوی ثبات منطقه و کشورهای خلیج و نیز توسعه سیاسی و اقتصادی در زمینه همکاری منطقه ای به شمار می رود». محمد جمشیدی دستیار امور سیاسی دفتر رئیس جمهور ایران، در همان روز در حساب تویتری خود نوشت: ترکیب سیاست همسایگی و ارواسیایگرایی هم باعث تقویت همکاریهای اقتصادی و هم گسترش ثبات و برادری و امنیت درون زا بدون مداخله خارجی می شود». در همین زمینه، نظام از این توافق به عنوان نقطه آغاز تفاهمات گسترده تر با دیگر کشورهای منطقه یاد کرد که این مطلب در دیدار دبیر کل شورای عالی امنیت ملی از امارات و سفر یک هیأت دیگر به بحرین عنوان شد.

## دوم: اهداف و میزان تأثیرگذاری

در کنار این همه تبلیغاتی که درباره این توافق صورت گرفت، نظام ایران از این مسأله بهره برداری سیاسی نمود و در مورد تأثیرات و دستاوردهای احتمالی آن بزرگ نمایی هایی صورت گرفت که در اینجا به مواردی از آن اشاره می کنیم:

**یک. این توافق هنوز در مرحله آزمون قرار دارد:** نظام درباره این توافق تبلیغات بسیار خوش بینانه ای به راه انداخته و انتظار دارد که این توافق دستاوردهای زیادی را به همراه داشته باشد. این در حالیست که این توافق هنوز در مرحله آزمون قرار دارد و جان گرفتن این توافق نیازمند امتیازدهی مخصوصا از جانب ایران است. و در این زمینه لازم است که ایران در زمینه سیاستهای منطقه ای کوتاه بیاید.

**دو. نقش این توافق در کاهش بحرانهای داخلی:** در تبلیغات نظام چنین وانمود شد که گویا این توافق مقدمه ای برای پایان دادن به بحرانهای داخلی خواهد بود. این در حالیست که بحرانهای داخلی ایران دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند و هیچ ارتباطی با توافق اخیر ندارند. این توافق در کوتاه مدت تأثیر چندانی بر این بحرانها نخواهد داشت. زیرا نظام ایران با یک نسل تازه ای روبرو است که خواهان تغییر هستند و ارزشهای آنها با ارزشهای «جمهوری اسلامی» کاملا در تضاد است؛ پس

می بینیم که بحران داخلی ایران ابعاد سیاسی بس عمیقی دارد. در مورد فشارهای خارجی که از سوی ایالات متحده و غرب و همچنین کشورهای خلیج بر ایران دنبال می شود باید گفت که علی رغم اینکه توافق اخیر، فشارهای خارجی را کاهش داد، اما واقعیت این است که بحرانی که نظام ایران با آن دست به گریبان است بسی بزرگتر از آن است که بتوان آن را با یک توافق حل و فصل کرد.

**سه. امکان کمک به کاهش بحران اقتصادی:** ایران با بحران اقتصادی پیچیده ای دست به گریبان است. این بحران در واقع یک بحران ساختاری است که در طی چندین دولت بعد از انقلاب همواره وجود داشته و در سایه عواملی چون سیاست اقتصاد مقاومتی و تقابل، سوء مدیریت منابع، نوع رابطه با ملت و در نهایت وجود تحریمها که مانعی بر سر همکاری با کشورهای منطقه از جمله همکاری اقتصادی با عربستان سعودی است، نه تنها این بحرانها حل نشده بلکه روی هم انباشته شده اند. از این رو، این که گفته می شود این توافق تأثیر مثبتی بر بازارها داشته است، این تأثیر بیش از آنکه اقتصادی باشد، یک تأثیر سیاسی است و اگر عوامل اصلی این بحران حل نشود، این تأثیر چندان هم دوام نمی آورد و افزایش مجدد قیمت ارزهای خارجی بهترین دلیل بر این مدعاست.

**چهار. ارزیابی پیامدها بر ایالات متحده و اسرائیل:** درست است که این توافق ضربه ای به منافع امریکا است، و همانطور که چین می خواهد، ایالات متحده را به عنوان یک قدرت در حال افول معرفی می کند، اما این تمام واقعیت نیست. زیرا ایالات متحده همچنان تأثیرگذارترین قدرت بین المللی است که حضور آن در منطقه یک ضرورت است و علی رغم نقش فزاینده چین در تعاملات منطقه ای، اما هنوز جایگزینی برای آن وجود ندارد. پس ایالات متحده در زمینه مسئولیت امنیت منطقه ای بیشترین سهم و توانمندی را دارد. و با وجود اینکه ظاهراً میزان توجه و فعالیتها خود در منطقه را کاهش داده است، اما هنوز هم ابزارهای مهمی در منطقه در اختیار دارد. همچنین، درست است که ایالات متحده با طرح تهدیدی به نام ایران و برای مقابله با این تهدید، موفق شد یک چارچوب همکاری امنیتی میان کشورهای خلیج و اسرائیل ایجاد نماید، اما

این به معنای توقف روند عادی سازی روابط با اسرائیل که خود یک روند متفاوتی دارد، نیست.

**پنج. اهرم فشار چین:** جمهوری خلق چین برای پیگیری منافع خود در منطقه و مخصوصا در روابط اقتصادی و سرمایه گذاریها در کشور پادشاهی عربستان سعودی، جلوی ایران و فعالیتهای مزاحم این کشور که مانعی بر سر راه منافع چین به شمار می رود، خواهد ایستاد. در اصل، این توافق از سوی چین مطرح و مدیریت شد تا موانعی را که در کشورهای منطقه فراروی منافع راهبردی این کشور قرار دارد از سر راه بردارد. و «ابتکار یک کمر بند و یک جاده» که از دو کشور ایران و عربستان می گذرد، بخشی از این منافع چین است. و برای اینکه منافع چین از دو سو تضمین شود و چالشی آن را تهدید نکند، لازم است که تنشها میان دو قدرت منطقه ای پایان یابد. با توجه به اینکه روابط پکن با تهران مخصوصا در زمینه اقتصادی اهرم فشاری در اختیار چین قرار می دهد، احتمالا چین از این اهرم برای فشار بر ایران استفاده خواهد کرد.

## **سوم: توافق و گفتمان آشتی جویانه ای که می تواند سنگ زیرینا باشد**

علی رغم اینکه در هر دو کشور گفتمان واحدی در مورد استقبال از این توافق وجود داشت، و علی رغم اینکه در ایران گفته شده است که خامنه ای هیأت مذاکره با عربستان را فراخوانده و ضرورت حصول توافق را به آنان گوشزد کرده است، اما خود رهبری تا کنون در مورد این توافق اظهار نظری نکرده است که این مسأله نیز با توجه به پویایی سیاست ایران و روند تصمیم سازی در ساختار دوگانه قدرت، در خور توجه است و نظام برای خود فضایی قرار می دهد تا در صورت لازم بتواند از موضع خود عقب نشسته و سیاست های متناقض خود را توجیه نماید.

با این همه، دولت رئیسی تلاش کرد در داخل ایران از این توافق بهره برداری تبلیغاتی کند. زیرا استقبال از توافق و توقع حل مشکلات داخلی و خارجی که هیچ ربطی به این توافق ندارند، و یا انتظار بیش از حد این توافق، نوعی تبلیغات و بهره برداری سیاسی در راستای اهداف دولت و



حل برخی بحرانها و تبلیغات در مورد موفقیت سیاستهای دولت در افکار عمومی ایران است.

و دیدیم که این توافق زمینه جر و بحث میان «اصلاح طلبان» و «تندروها» را فراهم کرد. موضوع این جر و بحثها اختلاف نظر بر سر از سرگیری روابط با عربستان سعودی نبود بلکه لب این جر و بحثها این بود که کدام جریان در مصالحه و پایان دادن به اختلافات با عربستان سعودی پیش قدم بوده است. همه جریانهای سیاسی اتفاق نظر دارند که حصول این توافق یک دستاورد است و هر جریانی تلاش دارد که این دستاورد را به خود نسبت دهد. از یک سو، «اصلاح طلبان» تلاش کردند با طرح این مسأله و موفقیت سیاستهایشان در دوره روحانی، بار دیگر حضور خود را در عرصه سیاسی کشور پررنگ سازند. چرا که، این دولت روحانی بود که در چارچوب «ابتکار صلح هرمز» تلاش کرد خود را به پادشاهی عربستان سعودی نزدیک کند. از سویی دیگر، دولت رئیسی تلاش نمود از امتیازات امضای این توافق استفاده نماید و چنین تبلیغات کرد که قاسم سلیمانی فرمانده پیشین «سپاه قدس» اولین کسی بود که قبل از اینکه در اوایل سال ۲۰۲۰ میلادی کشته شود، ایده مصالحه با عربستان سعودی را مطرح کرده بود.

اما آنچه اهمیت بیشتری دارد این است که حصول این توافق، سبب شد گفتمان رسمی ایران در قبال عربستان سعودی خود را نشان دهد و تصویر مثبت و درستی از پادشاهی عربستان سعودی در داخل ایران ترسیم نماید. هر دو جریان «اصلاح طلب» و «تندرو» در مورد اهمیت و ضرورت رابطه با پادشاهی عربستان سعودی اتفاق نظر دارند و این یک دستاورد ابتدایی و مهمی است و سبب می شود هرگونه عقب نشینی از این توافق و تعهدات آن با موانع مردمی روبرو شود. و اکنون مأموریت مهم این است که روند اجرایی سازی این توافق آغاز گردد و طرفهای تندرو که روابط با عربستان را به این وضعیت بحرانی رسانده اند، مهار شوند؛ تا در داخل ایران بستر مناسبی برای ایجاد یک رابطه پایدار و بر اساس تفاهم و تعامل با پادشاهی عربستان سعودی ایجاد شود و از هرگونه مقابله و جبهه گیری مذهبی پرهیز گردد.

**و در پایان،** می توان گفت که اگر نظام ایران بخواهد از دستاوردهای داخلی این توافق بهره مند گردد، می توان انتظار داشت که این گفتمان تبلیغاتی در مورد توافق، به سیاست واقعی تبدیل شده و نتایج آن عیان گردد. چرا که، از سرگیری روابط با پادشاهی عربستان سعودی و در پیش گرفتن سیاست منطقه ای متوازن، پیش از آنکه یک خواست منطقه ای و بین المللی باشد، یکی از مطالبات مردمی بوده است که ایرانیان در سالهای گذشته در شعارهای خود پیوسته آن را فریاد زده اند.

